نگاه قرآنی به حربه ترس‌آفرینی دشمن

سیاست رعب!

■ ابوالفضل رجایی‌فرد* ■

یکی از ترفندهایی که دشمنان در جنگ- بویژه جنگ نرم- بـرای غلبه از آن بسـیار بهره می‌برند، ارعاب اسـت. اهمیت این ابزار را می‌توان از اعلامیه ارتش فرانسـه در پی شکسته شـدن سد «ماژینو» توسط آلمان‌ها فهمید: «ای سربازا! تانک‌ها و توپ‌ها و سلاح‌های دشـمن، همه برای ترساندن تو است. هشدار! که اگر بترسی، سلاح در دستت بی‌خاصیت خواهد شـد».[۱] مقام معظم رهبری نیز در این باره می‌فرمایند: «یکی از ابزارهـای ابرقدرت‌ها مرعوب کردن است. گاهی اوقات هیبت ابرقدرتی در مقابل ضعفا تأثیرش از سلاح بیشتر است».[۲] نگاه به ادوار مختلف تاریخ از دریچه قرآن کریم بازگوکننده این امر در مواجهه مسـتکبران با انبیای الهی است. در آیات کریمه قرآن از این امر با واژگانی همچون رعب، خوف و رَهب یاد شده است.

■ **رعب در لغت و اصطلاح**

واژه «رعـب» به معنای خوف و ترس اسـت.[۳] ترسی که قلب را پر می‌کند و شدیدترین حد ترس معنا شده است.[۴] در اصطلاح نظامی، شیوه‌ای است در میدان جنگ در جهت تضعیف روحیه دشمن به منظور تزلزل در طرح‌ریـزی و گرفتن تصمیم‌های منطقی و اجرای نقشه‌های جنگی تا جایی که دشمن را مجبور به عقب‌نشینی، تسلیم یا شکست کند.[۵]

■ **رعب در آیات قرآن کریم**

بررسی کلام وحی نشان می‌دهد بحث از ارعاب و ترساندن در ۲ جبهه حق و باطل وجود دارد.

الف- رعب در جبهه مؤمنان: نگاه به آیات الهی گواه آن است که وجود حربه هراس‌افکنی در جبهه اهل ایمان، نصرتی الهی اسـت در جهت ظفر و غلبه بر دشـمن؛ چنانکه رسـول اکرم(ص) نیز بدان اشاره نمودند «نصرتُ بالرُّعبِ مَسیره شهر»[۶] و جنگ بدر «... سَأُلْقی فی قُلُوبِ الَّذینَ کَفَرُوا الرُّعْبَ...»،[۷] غزوه بنی‌قُریظه «...وَ قَذَفَ فی قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ فَریقاً تَقْتُلُونَ وَ تَأْسِرُونَ فَریقاً»[۸] و جریان بیرون راندن یهودیان بنی نَضیر از مدینه «هُوَ الَّذی أَخْرَجَ الَّذینَ کَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْکِتابِ مِنْ دِیارِهِمْ لِأَوَّلِ الْحَشْرِ... وَ قَذَفَ فی قُلُوبِهِمُ الرُّعْـبَ...»[۹] که در کلام وحی بدان اشـارت رفته، نمونه‌های عینی تحقق این نصرت الهی است. البته نفوذ هیبت و ترس مؤمنان در دل دشمنان محدود به مواقع نبرد نیست بلکه استحکام ساختارهای درونی جامعه اسلامی که در امر پروردگار به افزایش قدرت «وَ أَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّه...تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّکُـمْ وَ آخَرینَ مِنْ دُونِهِمْ لا تَعْلَمُونَهُمْ»[۱۰] چـه به صورت تقویت بنیه نظامـی و چه در قالب توانمندی‌های اقتصادی، فرهنگی و سیاسی[۱۱] برای مرعوب ساختن پیشدستانه دشمن معلوم و نامعلوم (منافقان)[۱۲] متبلور است، وجه دیگری از این سنت الهی در جهت یاری مؤمنان است.

ب- ترس‌آفرینی در جبهه باطل: هدف از بعثت انبیای الهی از منظر قرآن کریم ۲ امر اساسـی است؛ یک، شناخت حق تعالی و قرب به سوی او و دیگر، برپایی نظام عدل در جامعه بشری،[۱۳] بنابراین پیامبران در راستای تحقق این دو امر به ابلاغ رسالت میان امت‌ها قیام کردند و البته که تحقق این دو هدف مستلزم آن بود تا ایشـان از یک سو به رویارویی با شرک و بت‌پرسـتی، جهل و ناآگاهی و ظلم و بیدادگری در میان مردم بپردازند و از دگر سو به مصاف فراعنه و نمرودیان زمان خویش در راه پیاده‌سازی اندیشه‌های توحیدی از طریق نفـی نظام حاکم روند. به تعبیر اسـتاد شهید مرتضی مطهری(ره) محال است یک نفر پیامبر واقعی از جانب خداوند برگزیده شده باشد و با این قبیل مسائل به مبارزه برنخیزد.[۱۴] اگرچه این قیام بالطبع برای عده‌ای، بخصوص صاحبان قدرت و ثروت ناخوشایند بود، چرا که بقای خود را در تضاد با نهضت انبیا می‌دانسـتند از ایـن رو به هماوردی همه‌جانبه با آنان روی آوردند و در این راه به جهت ممانعت از ایجاد و گسـترش اندیشـه‌های الهی از ابزارهایی نظیر اسـتهزا، مجادله، تکذیب، تهمت و تهدید بهره گرفتند. یکی از شـیوه‌های قدرت‌های شیطانی و مستکبر ارعاب و ترس‌آفرینی بود «إِنَّما ذلِکُم الشَّیْطانُ یُخَوِّفُ أَوْلِیاءَه».[۱۵] نگاه به سرگذشت رسـولان الهی در قرآن کریم از ابراهیم خلیل(ع) تا خاتم پیغمبران حضرت محمد(ص) نشان می‌دهد اسـتفاده از این حربه به طور ثابت در ادوار مختلف مورد استفاده طاغوتیان عالم قرار داشته است.

■ **گروه‌های هدف در رعب‌افکنی**

از تدبر و تعمـق در آیات متعدد می‌توان دریافت ۲ گروه، هدف اصلی هراس‌افکنی (ارعاب) دشمنان هستند.

الف- رهبران: نخسـتین گروهی را که مستکبران مـورد ارعاب قرار می‌دهند، طلایـه‌داران نهضت‌ها هسـتند. براسـاس آیات قرآن کریم، انبیا در صف مقدم این هجمه قرار داشـتند. در واقع قدرتمندان و صاحبان نفوذ بـه دنبال آن بودند از طریق ارعابِ رهبران به شکل‌های مختلف مثل تهدید به زندانی کردن «قالَ فِرْعَوْنُ... لَأَجْعَلَنَّکَ مِنَ الْمَسْـجُونینَ»، تبعیـد «لنخرجنّک یشـعیب» و «لئـن لّم تنته یلوط لتکوننّ من المخرجین»، تهدید به شـکنجه «لئن لّم تنتهوا لنرجمنّکم وَ لَیَمَسَّنَّکُمْ»، تهدید به سنگسار کردن و قتل «قالوا یشعیب... ولولا رهطک لرجمنک» و «قالَ فِرْعَوْنُ ذَرُونِی أَقْتُلْ مُوسی»،[۱۶] از ایجاد و گسـترش دعوت آنان که ضد منافع‌شان بـود جلوگیری به عمـل آورند. از ایـن رو بود که پیامبرانی همچـون نوح(ع)، ابراهیـم(ع)، لوط(ع)، صالح(ع)، شعیب(ع)، موسی(ع)، عیسی(ع)، پیامبر اسلام(ص) و دیگر انبیا در اثنای دعوت خود با ارعاب مخالفان‌شان مواجه می‌شدند.[۱۷] همین مسائل در زندگانی امامان علیهم‌السلام نیز قابل رؤیت بود. در دوره معاصر هم امام خمینی(ره) که به تأسی از انبیا و ائمه اطهار در این راه قدم نهاد، ابتدا زندانی و سپس تبعید شد و در ابتدای پیروزی انقلاب، نقشه حذف ایشـان (کودتای نوژه) در دستور کار مستکبران و ایادی آنان قرار گرفت.

ب- خواص: عالمان، سیاسـتمداران، روشـنفکران و نخبـگان و در یک کلمـه، خواص یک جامعه در اسـتمرار و قوام یک نهضت به وسـیله جهت‌دهی فکری عامه مردم در راه رسـیدن به اهدافش نقش مؤثـری دارند. به همین دلیل اسـت کـه یکی از گروه‌های هدف که همواره در معرض ارعاب جبهه دشمن واقع می‌شـود، خواص جامعه هستند. این گروه در مواجهه با ترس مصنوعی دشـمن ۲ نوع عملکرد می‌توانند از خود نشان دهند؛ اقتدارگرایی و استقامت‌طلبی یا وادادگی. در قرآن کریم به هر دو دسته خواص و اثر آن بر عامه مردم اشاره شده است.

درباره خـواص بصیر باید گفت گاه هشـیاری نخبگان جامعه می‌تواند مسـیر یک ملت را عوض کند. در این مورد در قرآن کریم به جریان ساحران فرعون می‌توان اشـاره کرد. فرعون به دنبال آن بود تا از طریق خواصِ خود، به خنثی‌سـازی اندیشـه توحیدی حضرت موسـی(ع) اقدام کنـد و از آنجا که بر تأثیرپذیری جامعه از خواص آگاهی داشـت[۱۸] لـذا فراخوان عمومـی داد تا مردم در هماوردی سـاحران با موسـی نبی(ع) حضور یابند[۱۹] اما این اجتماع عمومی با ایمان آوردن سـحره به حضرت موسی(ع) به ضرر دسـتگاه استکبار خاتمه یافت، لـذا در همان مجلـس فرعون بـرای جلوگیری از اثرگذاری این حرکت ساحران بر افکار عمومی دست به ارعاب خواص خود یعنی ساحران زد و آنان را به قطع دسـت و پا و به صلیب کشـیده شدن تهدید کرد[۲۰] اما استقامت ساحران در برابر ارعاب فرعون در جایگاه خواص جامعه، علاوه بر سعادت شخصی، تأثیر هدایتی بر مردم گذارد و جمعی را به پیروی از حضرت موسی(ع) رهنمون کرد.[۲۱]

اما درباره دسته دوم یعنی خواص ضعیف‌النفس باید گفت گاه این افراد خواسته یا ناخواسته در جهت نقشه دشمن حرکت می‌کنند و بیشتر نگاه و امید دشمنان به این گروه از خواص جامعه معطوف است. نمونه آنان در جریان ورود قوم بنی‌اسرائیل به ارض مقدس در آیات قرآن اشاره شده است.[۲۲] زمانی که قوم بنی‌اسرائیل به نزدیکی ارض مقدس (فلسطین) رسیدند؛ ۱۲ نفر از نقبای بنی‌اسرائیل برای بررسی اوضاع شـهر بدانجـا رفتند. آنان قوم سـاکن آنجا (عمالقه) را افرادی تنومند یافتند. در بازگشت اکثر ایـن نقبا مرعوب این ویژگی ظاهری قرار گرفتند و این رعب مصنوعی را به سـطح عموم بنی‌اسرائیل آوردنـد،[۲۳] نتیجه این وادادگی از هیبت پوشـالی عمالقه آن شـد که بنی‌اسرائیل از فرمان موسی بن عمران(ع) مبنی بر ورود به ارض مقدس تمرد کردند و پیـروزی و عزتِ حتمی و وعده داده شـده الهی (الّتی کَتَبَ اللهُ لَکُم) را با ذلّت سـرگردانی ۴۰ ساله در بیابان «فَإِنَّها مُحَرَّمَه عَلَیْهِمْ أَرْبَعینَ سَنَه یَتیهُونَ فِی الْأَرْض»[۲۴]-که نتیجه نافرمانی‌شان بود- عوض کردند. امری که نمونه تاریخی‌اش را می‌توان در رفتار منفعلانه خواص کوفـه در قبال ارعاب عبیدالله بن زیاد جست‌وجو کرد که منجر به حادثه عاشورا شد.

■ **هدف از ارعاب دشمن**

همانطور که قبلاً گفته شد مستکبران در درجه اول هدف‌شـان از ارعاب، جلوگیری از شکل‌گیری و گسـترش هرگونه حرکت ضد منافع‌شان بود لذا به تهدید رهبران می‌پرداختنـد اما اگر به هردلیل نمی‌توانسـتند مانع ظهور اندیشه توحیدی شوند، برای نابودی یا به انحراف کشاندن آن از طریق حربه ترساندن و هراس‌افکنی در جامعه، ۲ هدف عمده را دنبال می‌کردند؛ یک هدف اولیه و یک هدف نهایی که هر دو بسـیار حائز اهمیت است. هرچند امکان وجود اهداف دیگر نیز هست.

الف- هدف اولیـه: صاحبان قدرت و ثروت در ابتدا در تلاشـند خـود یا از طریـق نفوذی‌های خودی (منافقین)[۲۵] و خواص ضعیف‌النفس، ترسِ خیالی را به سـطح عموم جامعه سـرایت دهند تـا از راه دوقطبی‌سـازی کاذب، به بخشی از نقشه خود که انشقاق جامعه است دست یابند، چرا که دوقطبی شـدن جامعه برای دشمن به مثابه بازشدن دروازه یک دژ نفوذناپذیر به روی آنان است. به عبارت بهتر، جامعـه متحد به مانند دو لنگه یـک دروازه عمل می‌کند که تا وقتی در کنار هم قرار دارند (وحدت) مصونیت‌بخش قلعه از نفوذ اغیار است اما هرچه این دو از یکدیگر فاصله بگیرند (تفرقه) راه برای رخنه به قلعه و فتح آن هموار می‌شود. دقیقاً حرکت کردن یا حرکت دادن جامعه به فضای دوقطبی ساختگی با حربه ارعاب شرایط را برای نفوذ دشمن و عملیاتی کردن هدف نهایی‌اش مساعد می‌کند. نمونه عینی این مساله در عملکرد نقبای بنی‌اسرائیل در جریان ورودشان به ارض مقدس مشهود است. در واقع در آن جریـان خواص مرعوب، با القای ترس دروغین، قوم بنی‌اسـرائیل را به دو گـروه منفعل «إِنَّا هاهُنا قاعِـدُونَ»[۲۶] و متوکّل «فَإِنَّکُمْ غالِبُـونَ وَ عَلَی اللَّهِ فَتَوَکَّلُوا»[۲۷] تقسـیم کردند و کار را به تمرد و ذلت بنی‌اسرائیل کشاندند.

ب- هـدف نهایی: مسـتکبران از ارعاب جبهه حق به دنبال آن هسـتند تا آنـان را به رجعت از عقیده برسـانند.[۲۸] در واقع آنچه خیال نـاآرام قدرت‌های شـیطانی را برای همیشـه به اطمینان پایدار بدل می‌سازد آن است که بتوانند نیروی محرکه قیام‌های توحیدی را از قلب مؤمنان بربایند که عبارت است از نیروی ایمان. از آن رو اسـت کـه در قرآن کریم مخالفان انبیا و پذیرش عقیده حاکم و به تعبیر امروز مستکبران جهان، پذیرش نظم نوین جهانی را که به معنای دست برداشتن از ایمان (عقیده) است؛ شرط پایان مخاصمه‌ها اعلام می‌کنند.[۲۹]

پی‌نوشت

۱- اصول جنگ، ص۱۲۳
۲- بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۸۰/۱۲/۲۷
۳- کتاب العین، ج۲، ص ۱۳۰
۴- تاج العروس، ج۲، ص۲۵
۵- اصول جنگ، ص۱۲۱
۶- الخصال، ج۱، ص ۲۰۱
۷- بـزودی در دل‌هـای کافـران ترس و وحشـت می‌افکنم. [انفال:۱۲؛ نک: تفسیر نمونه، ج۷، ص۱۰۶]
۸- و در دل‌های‌شـان رعب افکند؛ (و کارشـان به جایی رسـید که) گروهی را به قتل می‌رسـاندید و گروهی را اسیر می‌کردید! [احزاب:۲۶؛ نک: المیزان، ج۱۶، ص۳۰۱؛ مجمع البیان، ج۸، ص۵۵۱] .
۹-او کسی است که کافران اهل کتاب را در نخستین برخورد (با مسـلمانان) از خانه‌های‌شان بیرون راند! و در دل‌های‌شـان ترس و وحشت افکند. (حشر:۲؛ مجمع البیان، ج۹، ص۳۸۷)
۱۰- هر نیرویی در قدرت دارید، برای مقابله با آنها [دشـمنان]، آماده سازید!... تا به وسیله آن، دشمن خدا و دشـمن خویش را بترسـانید! و (همچنین) گروه دیگری غیر از اینها را که شـما نمی‌شناسید. (انفال:۶۰)
۱۱- تفسیر نمونه، ج۷، ص ۲۲۰
۱۲- المیزان، ج۹، ص۱۱۶
۱۳- احزاب: ۴۶-۴۵؛ حدید:۲۵؛ نک: مطهری، وحی و نبوت، ص۳۴
۱۴- همان، ص۲۱
۱۵- این فقط شـیطان اسـت که پیـروان خود را می‌ترساند.(آل‌عمران:۱۷۵)
۱۶- شـعرا:۲۹، ۱۶۷؛ اعراف:۸۸؛ یس:۱۸؛ هود:۹۱؛ غافر:۲۶
۱۷- ابراهیم:۹، مریم: ۴۶، شـعرا:۱۶۷، اعراف:۸۸، غافر:۲۶، دخان:۲۰، یس:۱۸-۱۳، نسا:۱۵۷، انفال:۳۰
۱۸- شعرا:۴۰
۱۹- شعرا:۳۹
۲۰- اعراف:۱۲۴، طه:۷۱، شعرا:۴۹
۲۱- اطیب البیان، ج۱۰، ص۳۰
۲۲- مائده:۲۲-۲۱
۲۳- التبیان فی تفسیر القرآن، ج۳، ص۴۸۶-۴۸۵؛ جامع البیان، ج۶، ص۱۱۲-۱۱؛ اطیب البیان، ج۴، ص۳۳۶
۲۴- ایـن سـرزمین (مقدس)، تا ۴۰ سـال بر آنها ممنوع اسـت؛ پیوسـته در زمین (در ایـن بیابان) سرگردان خواهند بود. (مائده: ۲۶)
۲۵- آل‌عمران:۱۷۳
۲۶- مائده:۲۴
۲۷- همان:۲۳
۲۸- شعراء:۱۶۷؛ مریم:۴۶؛ یس:۱۸
۲۹- اعراف:۸۸؛ ابراهیم:۱۳

***

***فارغ التحصیل کارشناسی ارشد الهیات و معارف اسلامی (علوم قرآن و حدیث) از دانشگاه تربیت مدرس**

■ ■ ■

معیارهای دوگانه در بررسی‌های اسناد تاریخی

بـرخورد دوگانه با اسناد ساواک در میان مخالفان نظـام، در داخل و خارج کشـور، به رویه‌ای معمول تبدیل شـده اسـت. هرگاه اسـناد پرده از فساد یا وابستگی رجال و احزاب و تشکیلات ضدانقلاب بردارد آن را نادیده گرفته و پیرامونش سکوت می‌کنند اما اگر به صورت مبهم یا تلویحی علیه رجال انقلابی یا جمهوری اسلامی مطلبی داشته باشد آن را در بوق و کرنا کرده و از کاه کوه می‌سـازند. این نگاه دوگانه به اسناد برای پژوهشگران منصف این سوال را ایجاد می‌کند: تا کجا می‌توان این شیوه رفتار تبلیغاتی را ادامـه داد و افـکار عمومی را به سـخره گرفت؟ در جدیدترین اقدام از این نوع «صدای آمریکا» در برنامه «صفحه آخر» با مجری‌گری «مهدی فلاحتی» سراغ اسناد ساواک رفته و کوشیده است با استناد به آنها «حجت‌الاسلام شجونی» را مورد انتقاد و حمله قرار دهد. این برنامه چند روز بعد از ارتحال ایشان تهیه شده اسـت که بیانگر دشمنی و کینه ضدانقلاب از روحانیون مبارز و طرفدار نظام است. در این برنامه بخش‌هایی از کتـاب «در دامگه حادثه»، مصاحبه «عرفان قانعی‌فرد» با «پرویز ثابتی» نقل و اتهامات ثابتی بدون هیچ شبهه و تردیدی به عنوان واقعیت روایت شده است. در این برنامه راوی می‌گوید: «پرویز ثابتی، مسؤول امنیت داخلی ساواک در کتاب خود با عنوان «در دامگه حادثه»، توضیح داده است ساواک زنانی را مسـؤول ارتباط با برخی آخوندها از جمله محمدتقی فلسـفی، جعفر شجونی، محمود قمی و محمدصادق لواسانی کرده بود». در اینجا لازم است نکاتی چند پیرامون عملکرد ساواک درباره سندسازی و انتشـار اعلامیه‌های جعلی علیه یـاران امام(ره) و اصولا به انحراف کشـیدن انقلاب را مورد بررسـی قرار دهیم. از آنجا که این سـازمان اساسـاً ماهیتی ضددینی و غیرمعنوی داشت، لذا در اجرای منویات خود هرگونه اقدامی را حتی اگر با موازین شـرعی، انسانی و اخلاقی منافات داشت، جایز می‌دانست. این دیدگاه ماحصل همکاری با سرویس‌های دیگر بویژه موساد بود. ساواک برخلاف ادعاهای طرفداران رژیم که آن را در خدمت منافع ملی کشـور می‌دانند، در سـال ۵۷ از ایجاد اختلافـات قومی و جنگ داخلی بـرای حفظ رژیم و کمک به بیگانگان ابا نداشـت و صراحتاً دسـتوراتی صادر می‌کرد که در آن از منابع می‌خواسـت میان ترک‌ها و فارس‌ها اختلاف ایجاد کنند، یا مردم را از انقلاب بترسـانند. در سندی به تاریخ ۵۷/۱۰/۶ شماره ۳۴۶/۱۵۷۸ از منابع خواسته شده است کشاورزان را نسبت به انقلاب بدبین کنند: «خواهشمند است دستور فرمایید با توجه به نظریه یکشنبه با استفاده از کلیه امکانات و منابع موجود در آن سـازمان با طرحی دقیق نسبت به اشاعه شایعه مزبور کـه چنانچه وضع موجود عوض شـود کلیه زمین‌های مزروعی کشاورزان و زارعین از آنان توسط اربابان سابق و خوانین باز پس گرفته خواهد شد نظر این افراد را جلب و به طور کاملاً غیرمحسوس با افراد بانفوذ و کشاورزان آن منطقه ایجاد رابطه گردیده و از نتایج حاصله مستمراً این اداره کل را آگاه سازند» [ر.ک: انقلاب اسـلامی به روایت اسـناد سـاواک، جلد۲۵، تهران، مرکز بررسـی اسـناد تاریخی] در مورد چهره‌های انقلابی به دلیل جایگاه مذهبی این افراد و عرف حاکم بر جامعه، ساواک از طرح مسائل اخلاقی، اتهامات مالی و شـایعه همکاری با ساواک علیه آنها استفاده می‌کرد. یکی از حربه‌های ساواک انتشار عکس‌های جعلی و مونتاژشده روحانیونی بود که حاضر به همکاری با رژیم نبودند. روش کار معمولاً به این صورت بود که این افراد چندین بار تهدید به همکاری یا تغییر رویه شده و پس از نتیجه نگرفتن، عکس‌ها در بازار، مساجد یا از طریق پست در سطح جامعه پخش می‌شـد. صرفنظر از مواجهه معقول و توأم با متانت روحانیون با این ماجرا، بی‌اعتنایی مردم به این تبلیغات قابل تامل است. از جمله کسانی که از این طریق مورد حمله ساواک قرار گرفتند می‌توان آیت‌الله سـیدمحمدصادق لواسـانی، حجت‌الاسلام والمسلمین محمدتقی فلسفی، حجت‌الاسلام جعفر جواد شـجونی، حجت‌الاسـلام عبدالجلیل جلیلی کرمانشاهی، سیدمهدی گلپایگانی و برخی دیگر از چهره‌های مطرح انقلاب را نام برد. خوشـبختانه با سـقوط رژیم پهلوی و دستیابی نیروهای انقلابی به اسناد ساواک ابعاد این جنگ روانی کاملاً آشکار شده و مردم با ترفندهای رژیم و غیرواقعی بودن آنها بیشتر آشنا شـدند. در اینجا چند سند که پرونده‌سازی و اعلامیه‌نویسـی سـاواک علیه چهره‌های انقلابی را نشان می‌دهد آمده است. سـند اول گزارشی است بـه تاریـخ ۵۲/۹/۱۱ شـماره ۳۱۲/۹۳۰۶ راجع به انتشار شبنامه علیه آیت‌الله سیدمحمدصادق لواسانی: «۴۰۰ برگ اعلامیه که علیه نامبرده تهیه شده است به پیوست ایفاد می‌گردد، خواهشمند است دستور فرمایید به نحو کاملاً غیرمحسـوس و به نحوی که دخالت ساواک در توزیع آن مشخص نشود، نسبت به انتشار اعلامیه و گفت‌وگوهایی که در این زمینه بین متعصبان مذهبی صورت خواهد گرفت، اعلام دارند».

در سـند دیگری آمده است: «بدین وسیله ۷۰۰ برگ اعلامیه علیه نامبرده بالا[آیت‌الله لواسانی] که یکی از روحانیون افراطی و نماینده مورد اعتماد [امام] خمینی در مورد جمع‌آوری سهم امام از متعصبین مذهبی است به پیوست ارسال می‌گردد. خواهشمند است دستور فرمایید از طریق منابع و همکاران به نحو کاملاً غیرمحسوس و به طوری که دخالت ساواک در توزیع آن مشخص نشود نسبت به انتشار اعلامیه‌های مورد بحث بین روحانیون، متعصبین مذهبی، مجامع و محافل مذهبی اقـدام و نتیجه را همراه با تعیین عکس‌العمل دریافت‌کنندگان اعلامیه‌های مزبور به این اداره کل اعلام نمایند». به‌رغم صراحت ساواک در بی‌تأثیـر بودن این اعلامیه‌هـا و اتهامات، اکنون پس از چند دهه رسـانه‌های ضدانقلاب این اسـناد سـاختگی را به عنوان کشـفی بزرگ(!) و واقعیتی انکارناپذیر در تریبون‌ها بیان می‌کنند. در سندی از ساواک آمده اسـت: «چون موضوع پخش اینگونه اعلامیه‌ها چند بار تکرار گردیده، مردم را به موضوع بی‌اعتنا کرده است». حجت‌الاسلام فلسفی به دلیل سخنرانی‌های تندش علیه رژیم پهلوی بشدت مورد نفرت ساواک بود. به همین دلیل ساواک عکس‌هایی مونتاژ شـده از ایشـان را در سطح وسیع منتشر و برای بسیاری از شـخصیت‌های سیاسی و مذهبی ارسال کرد. حجت‌الاسـلام فلسفی در گفت‌وگویی که سـاواک آن را گزارش کرده است، منشأ و کانون این توطئه‌ها را بدرستی تشـخیص داده و راجع به آن گفتـه اسـت: «تعدادی از عکس‌های فلسـفی بـا حالت‌های مختلف بین وزارتخانه‌ها و اشـخاص توزیع شـده که روز ۵۰/۱۱/۴ یکی از آنها به دست شهردار تهران رسیده است. پسر آیت‌الله کمره‌ای در شـهرداری اظهار داشته روز ۵۰/۱۱/۳ از عکس‌های مذکور به دست وی رسیده، لذا چگونگی موضوع را تلفنی استفسار مشارالیه پاسخ داده که این عکس‌ها از طرف یهودی‌هایی که من علیه آنها صحبت کرده‌ام و دشمنان من هسـتند، توزیع گردیده است». این بیان دقیق که حاکی از هوشمندی و دشمن‌شناسی مرحوم فلسفی است، هم‌اکنون نیز به روشنی قابل مشـاهده اسـت و می‌توان دید چگونه رسـانه‌های وابسته به صهیونیسم، همان خط سیر اسلاف خود را ادامه می‌دهند. در سندی به تاریخ ۵۰/۱۱/۱۲ شماره ۲۰/۱۴۰۷۳۹ت۱۲ به عکس‌های آقای شـجونی نیز اشاره شـده و صراحتاً بر بی‌تأثیر بودن این اقدامات تأکید شده است: «نظریه شنبه: چنانچه این عکس‌ها را دسـتگاه منتشر کرده باشـد به صلاح نبوده، زیرا مردم به علت کثرت سن فلسفی قبول نمی‌کنند و از طرفی درباره حجازی و شجونی هم که قبلاً عکس آنها را منتشر کرده‌اند مردم تردید کرده و آنها را باور ندارند».

منبع: موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی

پاورقی ۳۶

متن کتاب «تیه‌ری میسان»، نویسنده فرانسوی درباره حادثه ۱۱ سپتامبر

دروغ بزرگ

در ۱۹۹۲، ایـالات متحـده بنا به یک قطعنامه سازمان ملـل به نام عملیـات اعاده امید در سومالی نیرو پیاده کرد. چند جنگجوی جنگ افغانستان روی سربازان آمریکایی در سومالی آتش گشـودند و ۱۸ سرباز آمریکایی کشته شد. اسامه بن لادن مسؤول این زد و خوردها شـناخته شـد. ارتش ایالات متحده آنجا را تـرک کرد. در عالم خیـال، بن لادن آمریکا را شکسـت داده بود؛ درست بعد از شکست روس‌ها. در آن زمان اسامه بن لادن از ملیت سعودی‌اش خلع و در سـودان اقامت گزید. هنگام قطع رابطه با خانواده‌اش تقریبا ۳۰۰ میلیون دلار به او ارثیه رسید. او این پول‌ها را در ایجاد چندین بانک، فعالیت‌های کشاورزی و توزیع کالا به صورت داخلی سرمایه‌گذاری کـرد. در ابتـدا به کمک کلنل عمر حسـن البشـیر که در آن زمان حسن الترابی نامیده می‌شـد، در سـودان چندین شـرکت، یک فرودگاه، جاده و یک خط لوله ساخت و تولید قسـمت عمده صمغ عربـی را تحت کنترل درآورد. باوجود این پروژه‌ها، در سال ۱۹۹۶ از سودان اخراج شد؛ به دلیل فشارهای مصر که او را متهم به توطئه در ترور پرزیدنت حسنی مبارک کرد، سپس او به افغانستان برگشت. در ژوئـن ۱۹۹۶، ۱۹ سـرباز آمریکایـی در حمله‌ای به پایگاه نظامی الخبر در عربستان سعودی کشـته شدند. ایالات متحده، اسامه بن لادن را محرک این قضیه معرفی کرد. در پاسخ، او جهاد را علیه آمریکا و اسرائیل به کار گرفت که در رسـاله معروفش مشرکان را از جزیره عرب اخراج کنید به آن اشـاره کرده است. او همان منطقی را به کار برد که با سیا در افغانسـتان مورد استفاده قرار داد: وظیفه مقدس همه مسلمین است که سرزمین‌های اشغال شده اسـلام را آزاد کنند، اما مشکل بتوان اشغال نظامی افغانستان توسط روس‌ها را با ایجاد پایگاه‌های نظامی ایالات متحده در عربستان سعودی که فرآیند یک قرارداد بین ۲ دولت است، مقایسه کرد.

موعظه‌های میلیونر در بسـیج توده‌های مسـلمان که او با کمک رهبر مصری ایمن الظواهری در سـال ۱۹۹۸ به وجود آورده و به جبهه بین‌المللی اسلامی علیه یهودیان و مسیحیان معروف بود به جایی نرسید. در ۷ اوت ۱۹۹۸ حملاتی سـفارتخانه‌های آمریکا در دارالسـلام (تانزانیـا) و نایروبی (کنیا) که منجر به کشـته شـدن ۲۹۹ نفـر و زخمی شـدن بیش از ۴ هزار و ۵۰۰ زخمی شـد را درهم کوبید. ایالات متحده اسـامه بن لادن را بـه عنوان محرک معرفی کـرد. پرزیدنت بیل کلینتون دستور داد ۷۵ موشک کروز به اردوگاه‌های آموزشی در جلال‌آباد و خوست افغانستان شلیک شود، همچنین آزمایشگاه ال شیفا در سـودان مورد حمله قرار گرفت. FBI اتهاماتی علیه بـن لادن وارد کرده و ۵ میلیون دلار برای سـر او جایزه تعیین کرد. همه دارایی‌های او مسـدود شـدند. در ۱۲ اکتبر ۲۰۰۰، حمله‌ای توسط یک قایق پر از مواد منفجره به اژدرافکن USS Cole که در سواحل عدن (یمن) پهلو گرفته بود منجر به کشته شدن ۱۷ ملوان و زخمی شدن ۳۹ نفر شد. ایالات متحده اسامه بن لادن را مسؤول ایـن حمله معرفی کـرد. در ۸ مـه ۲۰۰۱، دونالد رامسفلد فاش کرد که دشمن شماره یک ایالات متحده نه‌تنها دارای سـلاح‌های باکتریولوژی و شـیمیایی بود، بلکه در شرف سـاخت بمب اتمـی و پرتاب ماهـواره بود. میلتون بردن (رئیس سـابق سیا در سودان در ۱۹۸۰ و یکـی از چهره‌های سرشـناس در عملیات مخفی سازمان در افغانستان) در مصاحبه‌ای با برنامـه فرانت لاین پی بی‌اس (PBS Frontline) اظهـار تردیـد کـرد: ربط دادن اسـامه بن لادن به همه عملیات تروریسـتی در دهـه اخیر ساده‌اندیشـی و توهین به شعور اغلب آمریکاییان است و یقینا هم‌پیمانان ما، ما را جدی نخواهند گرفت.

میلتون بردن که بعد از بازنشسـتگی‌اش در سـال ۱۹۹۴ اجازه یافـت درباره چنین موضوعاتـی صحبت کند، چنیـن ادامه داد: تخیلات زیادی در این زمینه وجود دارد اما ما از آن خوشمان می‌آید؛ آن اسطوره بن لادن است که تقریبا به نوعی سرگرمی تبدیل شده اسـت. ما از سال ۱۹۹۱ که روس‌ها زیر موج توده‌ها دفن شـدند هیچ دشمنی نداشته‌ایم و من گمان می‌کنم ما به نحوی این مسـاله را دوسـت داریم. ما از تروریسـم بین‌الملل خوشـمان می‌آید در حالی که آن تروریسم واقعی بشدت شخصیت خود را تغییر می‌دهد. به هر حال نمایش ادامه دارد: ایالات متحده آمریکا اسامه بن لادن را به دست داشتن در حملات ۱۱ سپتامبر متهم کرد.

ادامه دارد